

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

کمک‌های ایران به حزب الله قطع نشده است



از طریق عراق، ترکیه و شمال سوریه که مسیر آخر آن است. حمل و نقل دریایی به سواحل مدیترانه سوریه، حمل و نقل با کامیون به لبنان، حمل و نقل هوایی به سوریه و سپس حمل از طریق کامیون به لبنان نیز گزینه‌های بالقوه دیگر برای تجهیز حزب الله است. با بازگشایی مجدد سوریه بدون اسد، شاهد هجوم مردم، وسایل نقلیه، پول، کمک‌های بشردوستانه، تدارکات بازسازی و کالاهای مصرفی خواهیم بود که بیشتر آن از طریق حمل و نقل کامیون از کشورهای همسایه انجام می‌شود. ایران می‌تواند از این هجوم برای بازسازی حزب الله و گروه‌های نیابتی در سوریه استفاده کند.

ادامه در صفحه ۲

است. محصولات این تدارکات از طریق مکانیسم‌های نظارتی چندملیتی، از جمله مکانیسم تجارت دریایی سازمان ملل و تلاش‌های منع دریایی توسط ناتو و نیروی دریایی خلیج فارس، جابه‌جا شده است. ایران همچنین سیستم‌های تسلیحاتی عمده را از طریق عمان قاچاق کرده است که توسط گروه‌های دیگری از طریق یمن انتقال پیدا کرده است.

ایران دارای چهار خط بالقوه تأمین تسلیحاتی برای حزب الله پس از اسد است؛ حمل و نقل زمینی مستمر با کامیون از طریق عراق، از مرکز سوریه و به لبنان، سایر مسیرهای زمینی از طریق عراق، اردن و جنوب سوریه و یا

مؤسسه واشنگتن مایکل نایتزا

فروپاشی نظام بشار اسد به این معنا نیست که ایران، سوریه را به‌عنوان راهی برای تشکیل مجدد حزب الله لبنان رها خواهد کرد. قاچاق اسلحه ایران از لحاظ تاریخی در محیط‌های دولتی ضعیف، مانند یمن رشد کرده است. از زمانی که حوثی‌ها در سال ۲۰۱۵ تحت تحریم تسلیحاتی هدفمند قرار گرفتند، ایران زرادخانه‌ای از موشک‌های پیشرفته، موشک‌های ضد کشتی، موشک‌های کروز، پهپادهای تهاجمی دوربرد، قایق‌های انفجاری، موشک‌های زمین به هوا و سوخت سنگین ایجاد کرده

۱۲

لزوم مبارزه برای
عضویت در ناتو

۱۱

اهمیت پهپادها در
دنایای امروز

۱۰

پایان هژمونی روسیه در
قفقاز جنوبی

کمک‌های ایران به حزب‌الله قطع نشده است

باتزلزل حزب‌الله و اسد، محور مقاومت به‌هم‌ریخته است

فارس پالیسی این فوکس
عمران خالد

توالی دراماتیک وقایع که در روز ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ با حمله حماس به اسرائیل آغاز شد، در غرب آسیا سرازیر شده و منطقه را تغییر داده است. درست در روزی که اسرائیل و حزب‌الله با آتش‌بس برای توقف خصومت‌ها در لبنان موافقت کردند، گروه شبه نظامی تحریر الشام حمله جسورانه‌ای را برای تصرف حلب آغاز کرد که پایان یک دوره برای سوریه بود. در اوایل این ماه، دوران حکومت بشار اسد، دوره‌ای مترادف با سرکوب، درگیری و زوال، زیر بار مقاومت انباشته فرو ریخت.

با این حال، چالش‌های پیش رو بسیار وحشتناک هستند: تنش‌های فرقه‌ای و اختلافات ریشه‌دار می‌توانند تولد دوباره کشور را از مسیر خارج کنند. از نظر رهبر ایران، فروپاشی شبکه نیابتی که به‌سختی برای نشان دادن نفوذ این کشور ساخته شده، نشان دهنده یک بحران سیاسی وجودی است. سقوط نظام اسد نه تنها یک تغییر ژئوپلیتیکی، بلکه یک ضربه روانی به جاه‌طلبی‌های ایران است.

قمار حزب‌الله در گشودن جبهه دوم علیه اسرائیل در جریان درگیری غزه ممکن است به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات محاسباتی آن تلقی شود. پس از نزدیک به یک سال درگیری که صدها هزار نفر رایشه‌کن کرد، اسرائیل در ماه سپتامبر عملیات خود را تشدید و ضربات دقیقی وارد نمود که رهبری حزب‌الله را از بین برد.

تا ماه نوامبر، محاسبات تهران تغییر کرد. ایران با اذعان به خسارات ناپایدار، از متحد لبنانی خود خواست به جای خطر فرسایش بیشتر توانایی‌های خود، به دنبال صلح باشد. ایران با تجدید نظر سنجیده جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود مواجه است. راهبرد قبلی فشار شدید ترامپ، تهران را با فضای کمی برای مانور باقی گذاشت و رهبر ممکن است این بار محتاطانه عمل کند.

در همین حال، تنش‌ها در مرز سوریه و اسرائیل شعله‌ور شده است.

<https://tinyurl.com/24ynq3vk>



باشد؛ اگر دولت بعدی سوریه رضایت خود را برای استفاده از زور در قلمرو دیگر کشورها لغو کند این نیرو نیز می‌تواند به شکل دیگر استفاده شود. واشنگتن همچنین باید گام‌هایی را با تقسیم بار بر روی ناتو و شرکای منطقه‌ای دیگر در نظر بگیرد. گروه ضربت مشترک ترکیبی، عملیات عزم راسخ (CSOJTF-L) [یک تشکل نظامی چندملیتی است

که توسط ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا علیه داعش ایجاد شده است] باید گسترش یابد تا تهدیدات غیرداعش را نیز در برگیرد و از آمریکا در تلاش جدید نظارت بر آتش‌بس لبنان حمایت کند. آمریکا همچنین باید دارایی‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی خود را در سوریه تقویت کند. آمریکا باید پایگاه‌های گشت‌زنی جدیدی بین‌التنف و نیروهای سوریه دموکراتیک به رهبری کردها (SDF) در سوریه ایجاد کند.

همکاری اردن در مبارزه با مواد مخدر باید برای مقابله با قاچاق مواد مخدر تحت حمایت ایران و قاچاق اسلحه از طریق سوریه تقویت شود.

آمریکا باید یک خط تدارکاتی جدید به سوریه ایجاد و یک نظام نظارتی جدید برای نظارت و محدود کردن پل‌های هوایی و دریایی ایران به سوریه و لبنان تدوین کند.

<https://tinyurl.com/2blfr36p>

است. پایگاه‌های عملیات ویژه آمریکا در امتداد رودخانه فرات در موقعیت ایده‌آلی برای پشتیبانی از عملیات ضد تروریسم و نظارت بر فعالیت‌های ایرانیان و شبه نظامیان نیابتی قرار دارند. این پایگاه‌ها برای جلوگیری از تسخیر جناح‌های افراطی سنی مفید بوده و برای مأموریت ضد تروریسم آمریکا ضروری است.

نظارت، پیشگیری و هدف‌گیری قاچاق به وسیله ایران برای حزب‌الله مستلزم یک ساختار قانونی و سیاست‌گذاری سنجیده است. در سوریه، مأموریت ضد داعش از طریق اقدامات سازمان ملل پشتیبانی قوی دارد، اما مکانیسم اصلی آمریکا، مجوز استفاده از نیروی نظامی است. گروه هیئت تحریر الشام ممکن است با وجود چشم‌پوشی از ریشه‌های خود در القاعده، همچنان واجد شرایط دریافت برچسب‌های متفاوت اقدامات تروریستی باشد، به خصوص اگر عناصر این گروه تلاش کنند تا سلاح‌ها را به دست نهادهای تروریستی جهانی مانند داعش و یا حزب‌الله برسانند. با توجه به این پیچیدگی‌ها و تغییر محیط سوریه، مقامات آمریکا و کنگره باید رابریزی‌هایی را برای گسترش نیروی نظامی موجود یا تصویب یک نیروی جدید در سال ۲۰۲۵ را آغاز کنند. یک نیروی تازه‌نفس بانقشی مشخص شده و دقیق، می‌تواند مفید

ایران در گذشته هیچ تردیدی در مورد ترتیبات تاکتیکی با گروه‌های جهادی سنی نشان نداده است، بنابراین ممکن است این تاکتیک را در سوریه پس از اسد اتخاذ کند، جایی که تجهیزات نظامی به شدت در معرض خطر تصرف توسط داعش است. نیروهای شورشی شمالی و جنوبی که طی دو هفته گذشته در دمشق گرد هم آمده‌اند و مهم‌ترین آن‌ها «هیئت تحریر الشام» (HTS) و همچنین تعداد ناشناخته دیگری از گروه‌های تروریستی هستند، در خصوص این مسائل با هم گفت‌وگو می‌کنند.

آمریکا باید تمدید حضور نظامی خود در سوریه را برای کاهش نفوذ تروریست‌ها و گسترش فعالیت‌های خود در نظر بگیرد. دولت‌های بایدن و ترامپ باید در مورد عقب‌نشینی پیش از موعد در جنبه‌های کلیدی حضور نظامی آمریکا تجدید نظر کنند. در عراق، پایگاه هوایی الاسد موقعیت خوبی برای نظارت بر عناصر داعش و حمایت از مبارزه با تروریسم و تلاش‌های مبارزه با قاچاق دارد. بغداد دلایلی برای تمدید اقامت آمریکا دارد، زیرا نگرانی‌هایی در مورد ظهور مجدد داعش و ظهور دیگر گروه‌های جهادی سنی در سوریه دارد. پایگاه التنف در سوریه که از طریق اردن تأمین می‌شود، یک نقطه دسترسی راحت و مفید برای نظارت بر جنوب و مرکز سوریه

پیامدهای محدود کردن فروش تسلیحات به اسرائیل

تعطل بایدن در قبال ایران

ریل کلیر پالیتیکس جانانان سیاح / بهنام بن طالب لو

بایدن در هنگام اجرای تحریم‌های نفتی علیه ایران با ملامت رفتار کرد. وی با کنار گذاشتن اهرمی که از «فشار حداکثری» ترامپ به ارث رسیده بود، «حداکثر احترام» را از همان ابتدا انتخاب کرد و نتایج آشکارا فاجعه‌باری به همراه داشت. نه تنها امروز هیچ توافقی وجود ندارد که برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند، بلکه تئوکرات‌های تهران از درآمدهای صادرات نفت که تخمین زده می‌شود ۱۴۴ میلیارد دلار آن در سه سال اول بایدن به دست آمده بود، برای تضمین چرخه‌خوشونت‌هایی که در حال حاضر غرب آسیا را فرا گرفته است، استفاده کرده‌اند. در حالی که بسته تحریمی اخیر که شبکه فروش غیرقانونی و قاچاق نفت ایران را در اوایل ماه دسامبر امسال هدف قرار می‌دهد، خبر بایدن در قبال ایران، نوشدارو پس از مرگ سهراب است.

تحریم‌های اخیر همه‌جانبه است و ۲۱ کشتی تحت ۱۰ پرچم مختلف و همچنین ۱۴ شرکت در ۱۳ کشور مختلف را هدف قرار می‌دهد. این مجازات‌ها به دنبال دور قبلی تعیین‌ها با هدف پاسخ به رگبار موشک‌های بالستیک ایران در ماه اکتبر علیه اسرائیل و تشدید تحریم‌های نفت خام و پتروشیمی صورت گرفت. هر دوی این اقدامات بر روی به اصطلاح «ناوگان ارواح» ایران متمرکز بود که به اعمال خطرناک و فریبنده در دریاهای آزاد دست می‌زند تا کالاهای تحریم شده ایران را به خریداران آسیایی برساند.

به طور هم‌زمان، تهران به یک فروشنده جهانی تسلیحات و خطوط تولید موشک‌ها و پهپادها را تقویت می‌کند که در مناطق مختلف جنگی از جمله جنگ روسیه علیه اوکراین، حملات به اسرائیل و درگیری هادر اتیوپی و سودان مستقر شده‌اند. با این حال، از نظر سیاسی، آخرین نام‌گذاری‌های دولت بایدن می‌تواند به عنوان سکوی پرشی برای تشدید حداکثر فشار بر ایران توسط دولت آینده ترامپ باشد. درست همان طور که استفاده اوکراین از موشک‌های دوربرد مانند [ATACMS] علیه خاک روسیه، دست ترامپ را در مذاکرات با پوتین تقویت می‌کند، این نام‌گذاری‌های می‌تواند زمینه‌ساز سیاست قهرآمیزتر آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران که بر خلع سلاح و عقب‌نشینی استوار است، ایجاد کند.

<https://tinyurl.com/2yjlct5l>



سترتیت»، سازمان لیبرال صهیونیستی برای حمایت از قطعنامه‌ها بود. جی سترتیت که حدود ۲۰ سال پیش به عنوان جایگزین «کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل» [AIPAC] تأسیس شد، اولویت اصلی خود را ترویج راه حل دو کشوری می‌داند. در حالی که این سازمان خود را طرفدار اسرائیل می‌داند، اعضای ارشد از حمایت خود از قطعنامه‌ها با تأکید بر اینکه هدف آن‌ها تضعیف امنیت اسرائیل نیست، دفاع کردند، زیرا آن‌ها سلاح‌های دفاعی مانند سیستم پدافند موشکی گنبد آهنین را مستثنا کردند.

با وجود اینکه هر سه قطعنامه به طور قاطع شکست خوردند، این حادثه فرسایش جایگاه اسرائیل در عرصه سیاسی آمریکا و روابط آن با جامعه یهودی آمریکا را برجسته می‌کند. در گذشته، اسرائیل به عنوان یک موضوع دو حزبی تلقی می‌شد. با این حال، در سال‌های اخیر، شکاف فزاینده‌ای ظاهر شده است. به ویژه، درخواست‌های فزاینده‌ای در درون حزب دموکرات برای اعمال فشار بر اسرائیل در مناطقی وجود دارد که اقدامات آن در تضاد با ارزش‌های آمریکا و منافع بین‌المللی واشنگتن به نظر می‌رسد.

<https://tinyurl.com/2c268dhz>

غیرنظامیان در غزه، گزارش‌های مربوط به کاهش کمک‌های بشردوستانه به شمال غزه و تخلیه بسیاری از مردم غیرنظامی از آن منطقه دنبال کرد.

پاسخ دولت بایدن به این فشارها دامنه محدودی داشته است. این کشور به ارائه کمک‌های نظامی به اسرائیل ادامه داده، در رویارویی با ایران در کنارش ایستاده و پیوسته بر حق اسرائیل برای دفاع از خود تأکید کرده است. با این حال، این حمایت با درخواست‌های عمومی و خصوصی از اسرائیل برای تعدیل عملیات نظامی و تصمیم برای محدود کردن عرضه بمب‌های سنگین همراه بوده است. در نامه‌ای که وزرای دفاع و امور خارجه آمریکا در ماه اکتبر سال ۲۰۲۴ ارسال کردند، دولت بایدن هشدار داد در صورتی که اورشلیم در اجرای جنگ خود به قوانین بین‌المللی متعهد نباشد، قانونی بودن فروش تسلیحات به اسرائیل را بررسی خواهد کرد. تصمیم بعدی دولت مبنی بر اینکه اسرائیل به اندازه کافی برای ارضای نگرانی‌هایش انجام داده است، یکی از دلایلی بود که سنדרز این قطعنامه‌ها را به سنا معرفی کرد.

از دیدگاه اسرائیل، یکی دیگر از پیشینه‌های نگران‌کننده، تصمیم جی

مطالعات امنیت ملی (INSS) سائسون / فرابلیش / گوردیس

در روز ۲۰ نوامبر ۲۰۲۴، سنای آمریکا با اکثریت قاطع سه قطعنامه با هدف محدود کردن صادرات تسلیحات تهاجمی به اسرائیل را رد کرد. این قطعنامه‌ها بر اساس ادعاهایی مبنی بر اینکه اسرائیل به تعهدات خود بر اساس قوانین بین‌المللی در جنگ در نوار غزه عمل نمی‌کند، استوار بود. هر سه قطعنامه کاملاً شکست خوردند و حدود ۸۰ سناتور رأی مخالف و بین ۱۷ تا ۱۹ رأی موافق دادند. همه سناتورهای جمهوری خواه مانند اکثر دموکرات‌ها با این قطعنامه‌ها مخالف بودند. با این حال، تقریباً یک سوم سناتورهای دموکرات به این اقدامات رأی مثبت دادند که نسبت به تلاش‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشت. در میان کسانی که رأی مثبت دادند، برنی سندرز و جورجیا جان اوسف (که هر دو یهودی هستند)، سناتورهای ایالت ورمونت، به همراه کریس ون هولن، سناتور مریلند، تیم کین، سناتور ویرجینیا و دیگر اعضای جناح مترقی حزب دموکرات بودند.

این افزایش حمایت از محدود کردن صادرات تسلیحات به اسرائیل را می‌توان در افزایش تعداد تلفات

همه می خواهند با حاکمان جدید سوریه ملاقات کنند

متوقف شده است. سوریه می تواند در بازار نقدی نفت بخرد، اما این نیاز به پول قوی (پولی که به سهولت قابل تبدیل به سایر پول ها است و در پرداخته ای بین المللی پذیرفته می شود) دارد که کمیاب است. اعتقاد بر این است که ذخایر خارجی تا ۲۰۰ میلیون دلار کاهش یافته است.

پس از بیش از یک هفته سکوت، در روز ۱۶ دسامبر بیانیه ای منتسب به بشار اسد در یک حساب کاربری در شبکه های اجتماعی منتشر شد که قبلاً از آن استفاده می کرد. او مدعی شد که هرگز نمی خواست از سوریه فرار کند اما حامیان روسی او را مجبور به این کار کردند. اگرچه نمی توان آن را تأیید کرد، اما این پیام شبیه اسد بود. این موضوع به طور گسترده توسط سوریه ها مورد تمسخر قرار گرفت و سپس فراموش شد: نشانه دیگری از اینکه چقدر سریع رئیس جمهور سابق که برای چندین دهه در زندگی سوریه بسیار بزرگ جلوه می کرد، این چنین بی ارزش شده است.

<https://tinyurl.com/29dd2znu>



قدرت های غربی و منطقه ای در اردن گرد هم آمدند و حمایت خود را از این قطعنامه تکرار کردند.

سوریه به زودی نیاز مبرمی به کالاهای اساسی خواهد داشت. ایران روزانه ۸۰ هزار بشکه نفت آزاد ارسال می کرد. این تحویل

نقشه راه برای انتقال قدرت سیاسی سوریه مدت هاست که قطعنامه ۲۲۵۴ است که در سال ۲۰۱۵ توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد که خواستار یک فرآیند ۱۸ ماهه است که در انتخابات جدید به اوج خود می رسد. در روز ۱۴ دسامبر گروهی از

اکونومیست

عاموس یادلین / اوتو گولوف |

در هفته گذشته اتفاقات عجیبی برای مردی افتاد که ۱۰ میلیون دلار جایزه روی سرش گذاشته بودند. دیپلمات های خارجی به دمشق شتافتند تا با ابومحمد الجولانی، فرمانده شورشیان که رهبری حمله ای را که منجر به سرنگونی بشار اسد شد، گفت و گو کنند. هیئت تحریر شام [HTS]، گروه اسلام گرای او در لیست سیاه آمریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد به عنوان گروه تروریستی قرار دارد. این امر مانع از دیدار او با گیر پدرس، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، یا هیئت هایی از انگلیس، فرانسه، قطر، ترکیه و سایر کشورها نشد.

پس از بیش از یک دهه جنگ داخلی، سوریه در حال خروج از انزوا است؛ اما ملاقات های الجولانی در این هفته به چالش های پیش رو اشاره می کند: قدرت های خارجی بدبین، سیاست نامطمئن و تشدید درگیری در شمال شرق کشور.

راه خروج از هرج و مرج در سوریه

باثبات تبدیل کرد که تا زمان مرگش در سال ۲۰۰۰ بر آن حکومت نمود، اما با همه سازماندهی و بی رحمی خود نتوانست به راحتی شورش را سرکوب کند.

حافظ اسد غرق در هرج و مرج بود. او همیشه می دانست که سوریه چقدر به تجزیه نزدیک است.

اما یک گرفتاری وجود داشت. به دلیل ساختگی ذاتی سوریه، حافظ اسد به یک ایدئولوژی ضد صهیونیسم نیاز داشت. بعثیت کافی نبود. در سال ۱۹۷۴، زمانی که اسد با اکراه و به لطف دیپلماسی خستگی ناپذیر هنری کیسینجر، توافقنامه جدایی نیروها را با اسرائیل بر سر بلندی های جولان امضا کرد، به چرخه جنگ های اعراب و اسرائیل که در سال ۱۹۴۸ آغاز شده بود، پایان داد.

تخریب کنونی و مداوم کل دستگاه نظامی سوریه، از نیروی دریایی گرفته تا کارخانه های تسلیحات شیمیایی توسط اسرائیلی ها زاینده دهه ها نفرت متقابل بین دو کشور است.

<https://tinyurl.com/27kv2eyy>



پس از استقلال، ادیب الشیشکلی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بود. او که آتاتورک سوریه نامیده می شود، با این وجود، از شورش به عنوان «نام رسمی کنونی کشور» که در داخل مرزهای مصنوعی ترسیم شده توسط امپریالیسم قرار دارد، یاد کرد. او با کودتا قدرت را به دست گرفت و با کودتا سرنگون شد. کودتای اسد در سال ۱۹۷۰ بی ثبات ترین کشور غرب آسیا را شکل داد و آن را به یک دولت پلیسی

جنگ جهانی اول توسط امپراتوری فرانسه دنبال شد. وقتی سوریه سرانجام در سال ۱۹۴۶ مستقل شد، همه مرزهای غیرمنطقی، پیچیدگی های قومی و فرقه ای و تضادهای غرب آسیای بزرگ را در خود جای داد. همچنین در این دوره آزمایش هایی با دموکراسی صورت گرفت که همیشه به دلیل شکاف های قومی، فرقه ای و منطقه ای شکست خورد. اولین حاکم جدی سوریه

نشانی اینترست

رابرت کاپلان |

هنگامی که حاکم جدید سوریه، احمد الشرع، از ساختن مؤسسات، بازسازی اتوبوس و برق صحبت می کند، گویی کاربلد است. اما این درک به ظاهر پیش پا افتاده در مورد احیای کارکردهای اساسی دولت مدت هاست که در تاریخ مدرن سوریه مطرح شده است. حکومت امپراتوری عثمانی پس از

اهمیت استراتژیک اقدامات ارتش اسرائیل در سوریه



دیدبوت آحارونوت آویگدور هاسلکورن |

دکترین دفاعی پیشگیرانه جدید اسرائیل که با اقداماتش در سوریه رونمایی شد، محوری از بازدارندگی را برای از بین بردن تسلیحات استراتژیک سوریه و هشدار دادن به حزب الله و ایران ایجاد کرد. هدف این رویکرد کوتاه کردن درگیری‌ها و افزایش امنیتش بود. حمله اسرائیل واضح‌ترین تجلی از دکترین پیشگیرانه اسرائیل است.

اسرائیل اکثریت قریب به اتفاق قابلیت‌های استراتژیک سوریه را از بین برد و منطقه حائل در مرز سوریه را در اختیار گرفت. این مفهوم نتیجه مستقیم شکست رویکرد قبلی اسرائیل برای تأمین امنیت دفاعی خود، یعنی از طریق مهار مبتنی بر بازدارندگی است. بیانیه نتانیاهو در تاریخ ۱۰ دسامبر از این قرار بود: «ما خواهان روابط جدیدی با سوریه جدید هستیم، اما اگر این رژیم به ایران اجازه

دهد تا به استقرار خود در سوریه بازگردد یا اجازه دهد سلاح‌های ایرانی یا هر سلاح دیگری به حزب الله منتقل شود، ما به شدت پاسخ خواهیم داد و آنچه برای نظام قبلی [در سوریه] رخ داد، برای این رژیم نیز اتفاق خواهد افتاد». هدف دکترین پیشگیرانه اسرائیل کوتاه کردن مدت درگیری‌ها و به حداقل رساندن هزینه‌ها از نظر مالی و جانی است. پیروزی‌های اخیر ارتش اسرائیل، اعتماد به نفس و اعتماد عمومی اسرائیل

را به توانایی‌اش برای مقابله با دشمنان بازگردانده است. این دکترین همچنین هشدار به دیگر دشمنان از جمله حزب الله، ایران و غرب داده است که اکنون می‌دانند هر تلاشی برای بازسازی «حلقه آتش» در اطراف اسرائیل با شکست مواجه خواهد شد و با تلافی شدید اسرائیل رو به رو می‌شوند. روحانیون ایران ممکن است برای احیای موقعیت خود در میان «محور مقاومت» و از سرگیری انقلاب اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابند، اما با این حال، قدرت هسته‌ای نیز به دلیل از بین رفتن قدرت بازدارندگی حزب الله در برابر حملات اسرائیل و فقدان سامانه پدافند هوایی برای ایران و اقدام پیشگیرانه اسرائیل در سوریه نیز خطرناک خواهد بود. اهداف ارتش اسرائیل در سوریه شامل از بین بردن قدرت آن برای ایرانیانی است که قصد عبور از آستانه هسته‌ای را دارند.

<https://tinyurl.com/262d4c7w>

اسرائیل برنده جنگ شده است!



اسپایکت میک هیوم |

اکنون واضح است که با دست آزاد، اسرائیل می‌تواند با دشمنان فانی خود در غرب آسیا مقابله کند. این به اصطلاح دوستان آن‌ها در غرب و «جامعه بین‌المللی» هستند که اسرائیلی‌ها باید نگران آن باشند. در سال ۲۰۲۴، اسرائیل در هر جبهه به موفقیت‌های نظامی قابل توجهی دست یافته است. ارتش اسرائیل قتل عام گران نسل کش حماس را در غزه کوبیده، تروریست‌های اسلام‌گرای حزب الله لبنان را ویران و جمهوری اسلامی را متزلزل کرده است. همه این‌ها، فروپاشی دیکتاتوری وحشی اسد در سوریه را نیز تسهیل کرد. هرکسی که به آزادی معتقد است، مطمئناً باید موفقیت تنها دموکراسی به سبک غربی در غرب آسیا را به عنوان ضربه‌ای به تمدن در برابر بربریت جشن بگیرد. در عوض، متحدان سنتی غربی اسرائیل عقب‌نشینی کرده‌اند. به‌ازای هر پیشرفت نظامی که اسرائیل در سال گذشته انجام

داده، به نظر می‌رسد که در میدان نبرد بین‌المللی دچار شکست‌های سیاسی بیشتری شده است. در پایان سال ۲۰۲۳، اسرائیل در دادگاه بین‌المللی کیفری به ارتکاب «نسل‌کشی» در غزه متهم شد. در همین حال، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور فلسطین، فرانچسکا آلبانین، پیشنهاد کرده است که این نهاد عضویت اسرائیل را تعلیق کند و عملاً این رژیم را غیردولتی اعلام کند تا از نقشه جهان

مواجه شد، نیروهای خود را به منطقه فرستاد تا مرز خود با سوریه را حفظ کند و حملات هوایی را برای جلوگیری از افتادن سلاح‌های شیمیایی به دست اسلام‌گرایان انجام داد. با این حال، نخبگان جهانی گرا جامعه غربی آن اصول بنیادی را کنار گذاشته‌اند و اکنون از اسرائیلی‌هایی که جرات دفاع از آن‌ها را دارند، می‌ترسند و از آن‌ها متنفرند.

<https://tinyurl.com/25mj6kqqa>

بهترین دفاع جناح چپ در برابر ترامپ؟

سورین

داخلی آمریکا



مبتنی بر تجارت‌های بزرگ و ابرثروتمندان با کاهش مالیات و نظارت ضعیف، تضمین می‌کند که هر رشدی که اقتصاد ترامپ ایجاد می‌کند، عواید عمدتاً در بالاترین سطح به دست می‌آیند.

با این حال، اعتراض جناح چپ به اقتصاد کافی نخواهد بود. یک ارزیابی صادقانه از بدهی‌های پیش‌رونده ضروری است. آن‌هایی که در سمت جناح چپ هستند باید با نخبگان فرهنگی که حزب را از کارگران دور کرده‌اند در انواع مسائل غیراقتصادی مقابله کنند. در حالی که ترامپ و میلیاردرهایش نمی‌توانند به اندازه کافی از منافع اقتصادی طبقه کارگر حمایت کنند، لیبرال‌ها باید بدانند که حزب آن‌ها نماینده ارزش‌های آن‌ها نیست.

امروزه، رأی‌دهندگان طبقه کارگر، همان‌طور که بر اساس درآمد (کمتر از ۱۰۰ هزار دلار در سال)، شغل (کار دستی و کار خدماتی) یا تحصیلات (کمتر از تحصیلات دانشگاهی) تعریف می‌شود، بیشتر به نامزدهای جمهوری خواه رأی می‌دهند تا دموکرات‌ها. در واقع، نه تنها در آغوش گرفتن طبقه دانش‌منجر به غفلت اقتصادی طبقه کارگر شده است، بلکه حمایت تهاجمی از ارزش‌های فرهنگی طبقه‌ای نقش عمده‌ای در راندن رأی‌دهندگان طبقه کارگر ایفا کرده است.

<https://B2n.ir/y80771>

اکنون نماینده‌های از ثروتمندترین مناطق کشور هستند. این یکی از دلایلی است که هریس توانست بیش از ترامپ در انتخابات پول جمع‌آوری و خرج کند؛ بیش از یک میلیارد دلار او پول جمع‌آوری کرد.

تقریباً تمام محتوای سیاست آمریکا، نامزدها، سیاست‌ها و اولویت‌ها مربوط به ۲۰ درصد بالای سلسله مراتب درآمد و ثروت است. به یاد داشته باشید، کمتر از ۲ درصد از اعضای کنگره از پیشینه طبقه کارگر هستند. نامزدهای طبقه کارگر با موانع سیاسی عظیمی روبرو هستند، زیرا نه پول و نه اعتبار لازم را که در سالن‌های مدارس، کنفرانس‌ها و مؤسسات نخبگان به دست آورده‌اند، برای نفوذ به دولت آمریکا دارند. بسیاری به ترامپ رأی دادند به این امید که او بتواند آن را تخریب کند.

متأسفانه، کابینه او مملو از میلیاردرهای بزرگ فناوری و آزادی خواهان غیور دولت کوچک است که علاقه‌ای به به چالش کشیدن نظم سیاسی پلتوکراتیک ندارند. بدون شک، برخی از تعرفه‌های ترامپ می‌تواند به جذب تولیدکنندگان به آمریکا کمک کند و هدایای شرکت‌ها ممکن است باعث افزایش سریع رشد تولید ناخالص داخلی شود؛ اما اکثریت محافظه کار دادگاه عالی آمریکا به خوبی می‌تواند قانون کار فدرال را تحت تأثیر قرار دهد و اتحادیه‌ها را با قدرت کمتری در یک اقتصاد از قبل منحرف کند؛ و یک استراتژی اقتصادی

سردرگم هستند. خوب، پس هریس نماینده لیبرال‌های لیموزین بود، این هنوز توضیح نمی‌دهد که چرا رأی‌دهندگان یقه آبی یک پلی بوی ثروتمندی مانند ترامپ را به جای او انتخاب می‌کنند، نه اینکه به ایلان ماسک اشاره کنیم.

و بر اساس تحلیل‌های مرکز سیاست طبقه کارگر، رأی‌دهندگان این طبقه ترامپ را ترجیح می‌دهند؛ اما برای درک اینکه چرا ممکن است چنین باشد، نیازی به توصیفی از «آگاهی کاذب» نداریم. واقعیت این است که طبقه کارگر ما حزب سیاسی واقعی ندارند، آن‌ها مجبور هستند یا با میلیاردرهای حزب جمهوری خواه یا نخبگان لیبرال دموکرات متحد شوند به این امید که کسی نگرانی‌های آن‌ها را برطرف کند. رفع این مشکل نیازمند سیاستی است که با هر دو مقابله کند.

با سرازیر شدن پول به سیاست (بیش از ۱۶ میلیارد دلار فقط در سال ۲۰۲۴)، احزاب ما بیش از پیش تحت سلطه منافع و ارزش‌های افراد در رأس هرم طبقاتی قرار گرفته‌اند. برای جمهوری خواهان، این فقط ماسک و ترامپ نیستند، بلکه این حزب بیش از پیش به میلیاردرهایی مانند دیو مک کورمیک در پنسیلوانیا، یکی از نامزدهای بسیار ثروتمندی که در این چرخه حضور داشت، وابسته هستند. در همین حال، دموکرات‌هایی که زمانی از مزایای مالی ناعادلانه جمهوری خواهان شکایت داشتند،

کاردین داستین گواستالا

در حالی که دونالد ترامپ برای مراسم تحلیف خود آماده می‌شود، بسیاری شروع به بحث در مورد چگونگی ایجاد یک اپوزیسیون سیاسی متعهد کرده‌اند. به جای احیای هشتگ مقاومت در سال ۲۰۱۶ که از نظر نمایشی بزرگ و از نظر محتوایی کوتاه بود، چپ‌گراها بهتر است ناامیدی رأی‌دهندگان طبقه کارگر را جدی بگیرند و بر اساس آن استراتژی بسازند.

پیروزی ترامپ را می‌توان به عنوان یک شورش طبقاتی خواند. رأی‌دهندگان یقه آبی، سیاه‌پوست، سفیدپوست، لاتین تبار و آسیایی، در مناطق روستایی و شهری، از نخبگان طبقه ترقی خواه حمایت نکردند. کاملاً هریس مظهر یک حزب دموکرات بود که به طور فزاینده‌ای تحت تسلط رأی‌دهندگان مرفه و تحصیلکرده قرار گرفته است (و حتی توسط اهداکنندگان ثروتمندتر تأمین مالی می‌شود). صعود او به خودی خود نشان دهنده تبدیل «حزب مردم» به یک حزب اشرافی بود، نخبگان لیبرال آنقدر از هوی پولوی وحشت داشتند که اطمینان حاصل کردند که یک فرد عادی به نامزدی او رأی نخواهد داد تا حزب دموکرات را به نبرد هدایت کند. آیا ما از اینکه همان رأی‌دهندگان در میدان جنگ حاضر نشدند، شوکه شده ایم؟ به سختی. با این حال، بسیاری در سمت جناح چپ

تاکتیک‌های چین برای کاهش قدرت فناوری آمریکا



فازن پالیسی رابی اسکنون

چین تحقیقات ضدانحصار خود را در انویدیا، سازنده تراشه پیشرو آمریکا، به دنبال افزایش کنترل صادرات تراشه توسط واشنگتن تشدید کرده است. این تحقیقات تهدید به اعمال جریمه و اختلال در عملکرد انویدیا در چین می‌کند که منجر به کاهش ۴ درصدی سهام انویدیا می‌شود. این اقدام نشان‌دهنده انکای بسیار چین به مقامات رقابتی خود در تشدید جنگ فناوری میان آمریکا و چین است. قانون ضدانحصار در آمریکا توسط رفاه مصرف‌کننده و رقابت هدایت می‌شود، در حالی که رویکرد چین توسط قدرت ژئوپلیتیک هدایت می‌شود. چین از سیاست ضدانحصاری برای مقابله به مثل در برابر اقدامات تجاری آمریکا، به‌ویژه در پاسخ به محدودیت‌های نیمه‌هادی آمریکا استفاده کرده است. خطرات برای آمریکا زیاد شده است، زیرا نیمه‌هادی‌ها پایه و اساس فناوری مدرن هستند و سیستم‌های هوش مصنوعی گرفته تا تسلیحات پیشرفته همگی به آنان مربوط می‌شوند.

اگر اقدامات نظارتی چین به‌طور ناآگاهانه مانع شرکت‌های آمریکایی شود، عواقب آن برای قدرت فناوری آمریکا می‌تواند شدید باشد. اگر معاملات در چین از بین برود، مانع از انجام تجارت معمول شرکت‌های آمریکایی و تضعیف رشد و رقابت جهانی آن‌ها می‌شود.

آمریکا با دیگر شیوه‌های تجاری چین مانند سرعت‌آبی و انتقال فناوری مقابله کرده است، اما تا حد زیادی از تسلیحات ضدانحصار چین چشم‌پوشی می‌کند که هم رهبری فناوری آمریکا و هم ثبات زنجیره‌های تأمین نیمه‌رساناهای جهانی را به خطر می‌اندازد.

تنظیم‌کننده‌های چینی به‌طور فزاینده‌ای معاملات پر مخاطب را که شامل آمریکا و شرکت‌های متحد آن می‌شود، به تأخیر می‌اندازند یا مسدود می‌کنند که اغلب به بهانه حفاظت از رقابت در بازار عنوان می‌شود. به‌عنوان مثال، پیشنهاد ۴۰ میلیارد دلاری کوالکام برای خرید نیمه‌هادی‌های «NXP» هلند با تأخیرهای طولانی مدت از سوی اداره دولتی تنظیم بازار چین مواجه شد.

کوالکام به‌رغم کسب تأییدیه از گولوتور هادر هشت حوزه قضایی دیگر، از جمله آمریکا و

اتحادیه اروپا، در نهایت این معامله را به دلیل تأخیر در تأییدیه‌های پکن که به عنوان تلافی برای تعرفه‌های دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ بر کالاهای چینی تلقی می‌شد، کنار گذاشت. در نتیجه، کوالکام موظف شد ۲ میلیارد دلار به «NXP» به عنوان غرامت پایان کار پرداخت کند.

بررسی‌های طولانی مدت و قرار دادن معاملات در «وضعیت تأیید» سولاتی را در مورد تصمیم‌گیری پکن و اقدامات آن ایجاد کرده است.

این تأخیر در یک محیط تجاری بسیار بحث‌برانگیز بوده و ناشی از تشدید تعرفه‌ها و نظارت بیشتر بر سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی است. اقدامات نظارتی پکن بر آمادگی این کشور برای استفاده از فرایندهای ضدانحصار به عنوان اهرمی برای آسیب‌رساندن به شرکت‌های آمریکایی تأکید می‌کند و ماهیت تلافی‌جویانه تصمیم‌گیری این کشور را در زمانی که ریسک‌های ژئوپلیتیک گسترده‌تری درگیر هستند، آشکار می‌کند.

پس از اینکه مقامات چینی نتوانستند معاملات را در بازه زمانی توافق شده تأیید کنند، در یکی از این معاملات اینتل مجبور شد از خرید یک دستگاه ۵،۴ میلیارد دلاری صرف نظر کند. این فروپاشی نه تنها برنامه‌های اینتل برای گسترش کسب‌وکار ریخته‌گری خود را مختل کرد، بلکه پیام روشنی را ارسال کرد که هیچ شرکتی از گستره نظارتی پکن مصون نیست.

قدرت ضدانحصار چین همچنین از بهانه‌های مختلفی در طول بررسی‌های معاملات استفاده می‌کند تا شرکت‌های خارجی را وادار کند تا به روش‌هایی عمل کنند که به نفع شرکت‌های چینی باشد. به‌عنوان مثال، سازنده اپتوالکترونیک آمریکا و تأمین‌کننده لیزر «کوهرنت» باید با شرایط سخت‌گیرانه موافقت می‌کردند تا از تأیید مقامات چینی برخوردار شوند. این راه‌حل‌ها استقلال شرکت‌های خارجی را تضعیف می‌کند و وابستگی‌هایی ایجاد می‌کند که می‌تواند در مناقشات تجاری آینده مورد سوءاستفاده قرار گیرد. دولت بایدن در مقابله با جاه‌طلبی‌های چین در صنعت نیمه‌رسانا از طریق قانون تراشه‌ها و علم، کنترل‌های سخت‌تر صادرات و دوستی با متحدان تولیدکننده نیمه‌رسانا، گام‌های مهمی برداشته است.

اما با این حال، سیاست ضدانحصار آمریکا مستقل از سیاست چین عمل می‌کند و توسط یک فرایند قضایی استاندارد هدایت می‌شود که رفاه اقتصادی را بر ترجیحات ملی اولویت می‌دهد. این تضاد آسیب‌پذیری مهمی ایجاد می‌کند، زیرا جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به سوءاستفاده پکن از مقرراتش توجهی نکرده است. برای مقابله مؤثر با تاکتیک‌های نظارتی چین، آمریکا باید یک استراتژی چندجانبه اتخاذ کند که اصلاحات داخلی را با همکاری قوی بین‌المللی ادغام کند. یک تیم بزرگ‌تر با منابع بهتر، پاسخ فعال‌تری

به تاکتیک‌های پکن را ممکن می‌سازد و به شرکت‌های آسیب‌دیده راهنمایی و پشتیبانی به‌موقع برای هدایت محیط‌های نظارتی پیچیده‌تر ارائه می‌دهد.

بخش وزارت دادگستری باید ظرفیت خود را برای نظارت دقیق و تجزیه و تحلیل عمیق‌تر اقدامات ضدانحصار چین که به‌طور نامتناسبی شرکت‌های آمریکایی و خارجی را هدف قرار می‌دهد، گسترش دهد. پلتفرم‌های چندجانبه مانند گروه ۷ و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه می‌توانند ابزاری برای آمریکا جهت ایجاد و ترویج هنجارهای جهانی برای جلوگیری از وضعیت ضدانحصار باشند.

با برجسته کردن انحرافات چین از هنجارهای تعیین‌شده، آمریکا می‌تواند اجماع بین‌المللی را علیه استفاده از قانون رقابت به‌عنوان یک سلاح ژئوپلیتیک ایجاد کند. همکاری با متحدانی که با تسلیحات مشابهی از سیاست‌های ضدانحصار مواجه شده‌اند، می‌تواند یک جبهه متحد برای مقابله با چالش‌های مشترک ایجاد کند. برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از اختلافات نظارتی آینده توسط چین، آمریکا باید تلاش‌هایش را برای تنوع‌بخشیدن به زنجیره‌های تأمین در بخش‌های حیاتی مانند نیمه‌هادی‌ها، بانکرز تقویت تولید در داخل و بازارهای متحد و سرمایه‌گذاری در قطب‌های نوظهور مانند ویتنام، هند و مکزیک، دنبال کند.

<https://shorturl.at/1kfPL>

پیشروی ترکیه در سوریه، بازی بادم شیر است

اردوغان تأکید می کند. به نظر می رسد اردوغان مصمم است بدون توجه جدی به منافع روسیه، ایران یا حتی آمریکا، درباره آینده سوریه تصمیم بگیرد.

اظهارات اخیر ترامپ در مورد «تسلط غیردوستانه اردوغان» را می توان به روش های مختلفی تفسیر کرد. او ممکن است سوریه را به عنوان بخشی از سیاست جدایی «اول آمریکا» به طور کامل نادیده بگیرد، یا می تواند از سوریه به عنوان اهرم فشاری علیه روسیه و ایران برای حل و فصل جنگ اوکراین و مهار تنش های اسرائیل و ایران استفاده کند. هر یک از این سناریوها، اردوغان را برای پیگیری جاه طلبی های خود باز می گذارد، زیرا واشنگتن و سایر قدرت ها همچنان حواسشان پرت است. آیا آمریکا و غرب باید متحدان کرد خود را به نفع دیدگاه اردوغان رها کنند؟ برچسب زدن حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای دموکراتیک سوریه به عنوان «تروریست»، همان طور که اردوغان انجام می دهد، نابخردانه است. یک توافق مستقیم در مورد تضمین های امنیتی بین اردوغان و رهبری حزب اتحاد دموکراتیک می تواند نگرانی های ترکیه را برطرف کند.

<https://tinyurl.com/22zqc67>



از آن است که ترکیه در حال حاضر ۱۶ تا ۱۸ هزار سرباز در سوریه دارد و در امتداد مرز نزدیک کوبانی بسیج می شود تا کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه [SDF] و حزب اتحاد دموکراتیک [PYD] را از بین ببرد. اردوغان احتمالاً در نظر دارد یک منطقه حائل با پناهندگان سوری ایجاد کند که در حال حاضر در ترکیه هستند. اعتماد اردوغان از این باور ناشی می شود که او بر روسیه و ایران مانور داده است. هاگان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه اخیراً فاش کرد که اردوغان به مسکو و تهران نسبت به حمایت از اسد هشدار داد و مدعی شد که هدفشان از بین رفته است. فرار اسد به روسیه بر اهرم فزاینده

نشان می دهد. این امر احتمالاً پیشنهاد کمک نظامی ترکیه به هیئت تحریر شام را به عنوان حرکتی نگران کننده از یک عضو ناتو توضیح می دهد. با این حال، تحریر شام یک سازمان جهادی است که ریشه در القاعده و داعش دارد. حملات ۷ اکتبر حماس به اسرائیل را جشن گرفت و رهبری آن همچنان تهدید به «فتح اورشلیم» می کند. وسواس اردوغان برای برچیدن منطقه کردستان در خدمت یک هدف داخلی است. او با به تصویر کشیدن موضعی سخت در قبال تروریسم، توجه شهروندان ترکیه را از شکست های اقتصادی دولت خود منحرف می کند. گزارش ها حاکی

نابینتین فورتی فابو

سینان سیدی |

در مقاله اخیر فارن پالیسی، من و استیون کوک به این موضوع اشاره کردیم که چگونه ترکیه ممکن است در سوریه به خاطر اعتماد به نفس بیش از حد، شانس موفقیت خود را از دست بدهد. با توجه به تحولات سریع، به نظر می رسد که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، اکنون قصد دارد بر آینده سیاسی سوریه تسلط یابد و مسکو و تهران را به حاشیه راند.

اینکه بگوییم اردوغان در حال «بازی با دم شیر» است، کتمان حقیقت است. مانورهای او باید عمیقاً نگران دولت آینده ترامپ باشد، زیرا اردوغان احتمالاً ترکیه را به عنوان راه حل مشکلات سوریه معرفی خواهد کرد. با این حال، اجازه نفوذ کنترل نشده ترکیه در سوریه پس از اسد، خطر بی ثباتی بیشتر منطقه را به همراه دارد. به نظر می رسد آنکارا در حال اصلاح هیئت تحریر الشام [HTS] به عنوان نظم سیاسی جدید سوریه است.

ترکیه تحریر شام را به عنوان توانایی ایجاد یک دولت بوروکراتیک که نظم و قانون را برقرار می کند و در عین حال به جمعیت متنوع سوریه خدمت می کند،

اکنون میست

باحوثی ها مانند دیگر «بازوهای تروریستی» حکومت ایران رفتار می کنیم

نخست وزیر اسرائیل با انتشار ویدیویی به زبان عبری گفت: این کشور علیه حوثی ها همانند دیگر «بازوهای تروریستی محور شرارت نظام ایران، با قدرت» عمل خواهد کرد.

بنیامین نتانیاها افزود: اسرائیل در مقابله با حوثی ها به تنهایی عمل نمی کند، بلکه آمریکا و دیگر کشورها نیز حوثی ها را تهدیدی «نه تنها علیه کشتیرانی بین المللی، بلکه علیه نظم جهانی» می بینند.

او تصریح کرد: «ما با قدرت، قاطعیت و هوشمندی عمل خواهیم کرد. حتی اگر زمان بر باشد، نتیجه اش همانند عملکرد ما در مقابل دیگر بازوهای تروریستی خواهد بود». نتانیاها همچنین با بیان اینکه حملات وسیع اسرائیل در ماه اکتبر علیه مواضع جمهوری اسلامی، این حکومت را به شدت غافلگیر و نابودی سامانه های پدافند هوایی آن ها توسط ما، رهبران ایران را شوکه کرده است، گفت: «حملات هوایی اسرائیل به جمهوری اسلامی در ۲۶ اکتبر توان تولید موشک های بالستیک حکومت ایران را به شدت تضعیف و احیای این امر را با مشکل روبرو کرده است».

<https://B2n.ir/k11077>

سایر خبرها

جروزالم پست

هشدار اسرائیل به حزب الله در مورد نقض آتش بس

بیسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، در جریان بازدید از مواضع نظامی کشورش در جنوب لبنان به حزب الله هشدار داد که آتش بس جاری را نقض نکند. وزیر دفاع اسرائیل تصریح کرد: «نیش مار را کشیدیم و اگر حزب الله به بالای رود لیتانی عقب نشینی نکند و توافق آتش بس را نقض کند، سر آن را له خواهیم کرد».

کاتز در ادامه گفت: «به عوامل حزب الله اجازه نخواهیم داد که به روستاهای جنوب [لبنان] بازگردند و به استقرار مجدد زیرساخت های تروریستی بپردازند که تهدیدی برای اجتماعات شمال اسرائیل خواهد بود».

به گفته او، اسرائیل از حذف تهدید و بازگشت ایمن ساکنان شمال این کشور به خانه های خود اطمینان حاصل خواهد کرد.

به دنبال سرنگونی حکومت بشار اسد، نعیم قاسم، رهبر حزب الله اعتراف کرد این گروه شبه نظامی مهم ترین مسیر تأمین تسلیحات خود از جمهوری اسلامی ایران، یعنی راه سوریه را از دست داد.

<https://B2n.ir/h34585>

عملیات کورسک ارزش این همه تلفات را دارد؟

سورینس

اروپا

مركز مطالعات استراتژيكي

روزنامه

هفته گذشته، نیروهای اوکراینی متحمل خسارات سنگینی شدند که روس‌ها پلپوخوو، روستایی در جنوب شرقی سودژا را بازپس گرفتند. برخی از جنگنده‌های اوکراینی در محاصره باقی ماندند و وبلاگ نویسان ارتش روسیه ادعا کردند که ۳۰۰ نفر کشته شدند. حتی اگر این تعداد اغراق آمیز باشد، ناامیدی در میان سربازان اوکراینی در حال افزایش است که استدلال می‌کنند که نگه داشتن تکه‌ای از خاک روسیه ارزش قربانی کردن را ندارد، به ویژه زمانی که برای مقابله با حمله مسکو در شرق به آن‌ها نیاز فوری باشد. روسیه در ماه گذشته پنج برابر بیشتر از کل سال گذشته قلمرو خود را تصرف کرد و عمدتاً در منطقه دونتسک پیشروی کرد.

امادفای اوکراین نیز در حال محدود شدن است. در حالی که ۶۰ هزار سرباز روسی به جای اوکراین به بمباران سرزمین خود کشیده شده‌اند، این امر پیشرفت روسیه در منطقه دونتسک را کند نکرده است. مسکو سربازان خود را از جبهه‌های ساکت‌تر در زاپروژیا و خارکیف مستقر کرده، کره شمالی‌ها را متقاعد کرده که به جنگ بپیوندند و سربازان جوان را مجبور به امضای قرارداد برای جنگ در کورسک کرده است. در ماه اکتبر، یک جوان ۱۹ ساله اهل تاتارستان به دلیل امتناع از امضای قرارداد در یک زمین تمرین مورد اصابت گلوله قرار گرفت. وزارت دفاع روسیه همچنین هنگام امضای قرارداد به سربازان هر کدام ۳ هزار پوند می‌پردازد، توافقی که به پوتین اجازه داده است تعداد نیروهای روسیه در اوکراین را در سال جاری ۱۰۰ هزار نفر افزایش دهد و مجموع را به نزدیک به ۶۰۰ هزار برساند.

<https://tinyurl.com/2ynuywnu>



در حال پیشروی هستند و مواضع اوکراینی را با امواج بی‌پایان سربازان پر می‌کنند. کی‌یف تقریباً نیمی از قلمرویی را که در منطقه کورسک تصرف کرده بود از ماه سپتامبر از دست داده است. نیروهای اوکراینی اکنون تقریباً ۲۵۰ مایل مربع از زمین‌های روسیه را در اختیار دارند در حالی که با حملات بی‌امان روزانه روبرو هستند. نیروهای روسیه با استفاده از بمب‌های هدایت‌شونده مواضع دفاعی خود را پاک می‌کنند. تلفات فزاینده و وضعیت وخیم در منطقه دونباس شک و تردید را در میان سربازان اوکراینی در مورد اینکه آیا ادامه عملیات کورسک ارزش این هزینه را دارد، دامن می‌زند.

اسپکتیور

اسویتلانا مورنتس |

تصاویر وحشتناک سربازان کشته شده کره شمالی که در گل‌ولای و برف پراکنده شده‌اند، کانال‌های تلگرامی ارتش را در این هفته در بر گرفته است. نیروهای پیونگ‌یانگ به نبرد برای منطقه کورسک روسیه پیوستند، اما تاکنون نتوانسته‌اند از پهپادهای اوکراینی فرار کنند. اطلاعات کره جنوبی مدعی شد که دست کم ۱۰۰ سرباز کره شمالی در این ماه کشته و یک هزار نفر زخمی شده‌اند، زیرا ولادیمیر پوتین در حال تلاش برای خلع ولودیمیر زلنسکی از تنها ابزار چانه‌زنی خود قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ماه آینده در آمریکا است. از ماه نوامبر، روسیه حدود ۱۲ هزار سرباز کره شمالی را برای بازپس‌گیری منطقه کورسک از اوکراین مستقر کرده است. موانع ارتباطی و مشکلات ادغام در رده‌های نظامی روسیه باعث تأخیر در آماده‌سازی آن‌ها برای نبرد شده است. سربازان اوکراینی می‌گویند که کره شمالی هدف آسانی برای پهپادها بوده است، زیرا آن‌ها فاقد تجربه در جنگ مدرن هستند و فقط «انجامی ایستندوسعی می‌کنند به جای مخفی شدن، پهپادها را سرتگون کنند». سربازان روسی آن‌ها را با دیدن از میان مزارع به سمت مواضع اوکراینی می‌فرستند و بیشتر آن‌ها در راه می‌میرند. زلنسکی مسکو را متهم کرده است که تلاش می‌کند تلفات سنگین کره شمالی را پنهان کند زیرا اجساد آن‌ها اولین کسانی است که از میدان جنگ خارج می‌شوند. ماه گذشته پرهزینه‌ترین ماه پوتین بوده است و روزانه ۱ هزار و ۵۰۰ سرباز تلفات می‌دهند؛ اما تا کنون هیچ‌کدام او به سبک جنگ جهانی دوم نتیجه می‌دهد: نیروهای روسی به آرامی

خبرگزاری
فرانسه

تسلیمات همه از جمله کردها در «کنترل دولت» قرار می‌گیرد

رهبر جدید سوریه، احمد الشرع معروف به جولانی، روز یکشنبه اعلام کرد: تمام سلاح‌ها در این کشور، از جمله سلاح‌هایی که در اختیار نیروهای تحت رهبری کردهای سوریه است، تحت کنترل دولت قرار خواهد گرفت.

جولانی که دو هفته پیش کنترل دمشق را به دست گرفت، این اظهارات را در کنار هاگان فیدان، وزیر خارجه ترکیه بیان کرد. او پیش از فیدان بارهبران دروژی لبنان دیدار کرد و وعده داد که به «دخالت‌های منفی» در این کشور پایان دهد.

جمهوری اسلامی ایران پیش از سقوط بشار اسد از طریق خاک سوریه به حزب الله تسلیمات می‌رساند.

شورشیان مورد حمایت آنکارا نقشی اصلی در حمایت از هیئت تحریر الشام به رهبری جولانی ایفا کردند. این گروه اسلام‌گرا در اتحاد با شورشیان ۱۸ آذر دمشق را تصرف و بشار اسد، حاکم سوریه را سرتگون کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، احمد الشرع با جولانی در نشست خبری با هاگان فیدان گفت که گروه‌های مسلح سوریه «انحلال خود را آغاز می‌کنند و به ارتش خواهند پیوست».

<https://B2n.ir/s03817>

سایر خبرها

تایمز اسرائیل

تمایل مقامات اسرائیل به حمله مستقیم به جمهوری اسلامی

کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد که مقامات ارشد دفاعی این رژیم معتقدند به جای حمله به گروه نیابتی ایران در یمن، «اقدام مستقیم» در مورد جمهوری اسلامی باید در اولویت قرار گیرد.

این گزارش در حالی است که [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد که این کشور نیروهای نیابتی ندارد.

به گفته این گزارش، موضوع برخورد با جمهوری اسلامی که می‌تواند به تلاش برای بازدارندگی علیه حوثی‌ها یا حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران اشاره داشته باشد، به‌طور مکرر در جلسات کابینه امنیتی اسرائیل مطرح شده است. این در حالی است که اسرائیل در روزهای اخیر بر راهکارهای مقابله با افزایش حملات موشکی حوثی‌های مورد حمایت تهران تمرکز داشته است.

به علاوه، طبق گزارش‌های منتشر شده، ارزیابی اسرائیل این است که حوثی‌ها تصمیم به تشدید حملات موشکی و دیگر حملات گرفته‌اند و اقدامات آن‌ها همیشه با حکومت ایران هماهنگ یا مورد تأیید آن نیست.

<https://B2n.ir/u38029>

پایان هژمونی روسیه در قفقاز جنوبی

شورای روابط خارجی آلمان استفان مایسترا

نقش مسکو به عنوان هژمون منطقه‌ای در قفقاز جنوبی با جنگ روسیه علیه اوکراین به پایان رسید. منطقه با بی‌ثباتی ناشی از تضادهای قدیمی و پویایی قدرت در حال تغییر مواجه است. اکنون آذربایجان به متغیر اصلی نظم امنیتی منطقه تبدیل شده است. قدرت‌های دیگر از جمله ترکیه، ایران، چین و اتحادیه اروپا فعال‌تر هستند، اما هیچ‌یک نمی‌توانند نظم پایدار را تضمین کنند. تعامل‌گرایی و آسیب‌پذیری‌های مداوم این بی‌نظمی را تعریف می‌کند و همکاری‌های درون منطقه‌ای به شرایط بین ارمنستان و آذربایجان بستگی دارد.

روسیه به دلیل جنگ علیه اوکراین، نقش خود را به عنوان هژمون منطقه‌ای در شرق اروپا، قفقاز جنوبی، آسیای میانه و تأثیر خود در بالکان غربی از دست داده است. مسکو نه تنها برای نفوذ خود باید با کشورهای این مناطق چانه بزند، بلکه باید با قدرت‌های دیگری مانند چین، ترکیه و ایران نیز معامله کند.

جنگ روسیه علیه اوکراین نظم‌های منطقه‌ای را در مناطق بسیاری تغییر داده است، تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال ۲۰۲۲ نقش مسکو را در منطقه پس از شوروی تضعیف کرد. اکنون شاهد پایان هژمونی روسیه در قفقاز جنوبی هستیم و بازیگرانی مانند ترکیه، ایران، چین و اتحادیه اروپا تعامل خود را در آنجا افزایش می‌دهند در حالی که روسیه منابع خود را بر اوکراین متمرکز می‌دهد. این وضعیت بدان معناست که روسیه برای اینکه بتواند بر سیاست‌های منطقه‌ای تأثیر بگذارد باید مصالحه کرده و نمی‌تواند بازیگران دیگر را مجبور به تغییر سیاست‌های خود کند. آذربایجان با پیروزی در جنگ دوم قره‌باغ و تسلط نظامی بر منطقه مورد مناقشه، به مؤثر اصلی امنیت منطقه تبدیل شده است. با کوتا محدودی اراده سیاسی و منابع لازم برای دیکته کردن توافقنامه صلح با ارمنستان را دارد. آذربایجان یک



نسبت به مسکو بیگانه شده است، اکنون به دنبال روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای عضو حمایت مالی و امنیتی بیشتری ارائه می‌کنند و بروکسل یک مأموریت نظارتی را برای ارمنستان در مرز با آذربایجان ترتیب داده است و مذاکرات آزادسازی ویزا را آغاز کرده است، اما نه آمریکا و نه اتحادیه اروپا هیچ تضمین امنیتی به ارمنستان نمی‌دهند که این کشور را برای مدتی آسیب‌ناپذیر نگه دارند.

نتیجه این اتفاقات، ظهور نظم منطقه‌ای جدید است که بیشتر به شکل یک معامله است و توسط قدرت‌های قوی هدایت می‌شود. نهادهای چندجانبه مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا دیگر نقشی در منطقه بازی نخواهند کرد. هیچ بازیگری به تنهایی نمی‌تواند بر نظم امنیتی منطقه مسلط شود و عدم اعتماد و اجماع در مورد نظم جدید منطقه‌ای قفقاز جنوبی را برای مدتی در وضعیت بی‌ثباتی نگه می‌دارد. نتیجه جنگ اوکراین تأثیر عمده‌ای بر آینده قفقاز جنوبی خواهد داشت، زیرا نتیجه آن مشخص می‌کند که آیا روسیه یا غرب می‌توانند قوانین و نظم امنیتی منطقه را مشخص کنند یا خیر.

<https://tinyurl.com/24k8yqpo>

ادغام ترانس آتلانتیک پایان دهد. این امر به روسیه نفوذ بیشتری بر گرجستان می‌دهد، زیرا اقتدارگرایی، فساد و سیاست‌های غیررسمی در حال رشد هستند و این همه آنچه است که نفوذ روسیه را تقویت کند. روسیه، ترکیه و ایران همگی بر سر دور ننگه داشتن غرب از قفقاز جنوبی توافق دارند. آن‌ها در تلاش برای ایجاد یک قالب ۳+۳ با سه کشور قفقاز برای یافتن راه‌حل‌های منطقه‌ای جهت برطرف کردن مشکلات منطقه بدون دخالت اتحادیه اروپا و آمریکا هستند. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۲۲ با تسهیل توافق صلح بین ارمنستان و آذربایجان، ارائه وضعیت نامزدی اتحادیه اروپا به گرجستان و توسعه استراتژی اتصال ترانزیتی برای نزدیک‌تر کردن قفقاز جنوبی به اتحادیه اروپا، مشارکت بیشتری در منطقه داشته است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواهان ایجاد یک کریدور تجاری و ترانزیتی جایگزین از طریق قفقاز جنوبی به دریای خزر و آسیای میانه و به دست آوردن منابع بیشتری مانند نفت و گاز از این مناطق هستند، اما بروکسل نمی‌تواند تضمین‌های امنیتی برای هیچ‌یک از کشورهای قفقاز جنوبی ارائه دهد. از آنجایی که ارمنستان به دلیل عدم حمایت روسیه در قره‌باغ کوهستانی

سال قبل با موفقیت با مسکو در مورد خروج «نیروهای صلح» روسیه از قره‌باغ کوهستانی مذاکره کرد. این امر ارمنستان را بازنده اصلی وضعیت جدید ژئوپلیتیکی در منطقه می‌کند، زیرا جنگ و حمایت نظامی متحد خود را از دست داد. در عین حال، ارمنستان فاقد قدرت نظامی برای جلوگیری از فشار آذربایجان است و از طرف دیگر ایران در قفقاز جنوبی فعال‌تر شده است و این کشور می‌خواهد از نفوذ بیشتر حریف خود ترکیه و آذربایجان در منطقه کند.

با جنگ اوکراین و تحریم‌های جامع غرب، منافع روسیه در قفقاز جنوبی تغییر کرده است. این کشور برای دور زدن تحریم‌ها به مسیرهای تجاری جایگزین به ایران و هند از طریق کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب و کشورهایی مانند ارمنستان، گرجستان و ترکیه نیاز دارد. دولت تفلیس به رهبری حزب رویای گرجستان (GD)، کشور را به سمت یک استراتژی حفاظتی در برابر مسکو سوق داده است و به شدت اقتدارگرا شده است. با دستکاری انتخابات، حزب رویای گرجستان برای چهارمین بار در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۴ پیروز شد و می‌خواهد به مسیر گرجستان به سمت اتحادیه اروپا و

اهمیت پهپادها در دنیای امروز



مدرن وار ریل کلیبر پالیتیکس

در فوریه ۲۰۲۴، رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، ایجاد نیروهای پهپادی را اعلام کرد. بر کسی پوشیده نیست که ارتش اوکراین از پهپادها به خوبی استفاده کرده است. واحدهای آن همچنان به نوآوری با تاکتیک‌ها و رویه‌ها و اثرات پهپادها در حوزه‌های هوایی، زمینی و دریایی ادامه می‌دهند. هر دو متخاصم در جنگ روسیه و اوکراین متعهد شده‌اند که سالانه بیش از یک میلیون پهپاد هوایی بسازند تا از آن استفاده کنند. حتی با استفاده بسیار نوآورانه از پهپادها (مین گذاری، تحویل مواد محترقه) که قبلاً در اوکراین مشاهده شده است، تاریخ نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی پهپادها توانایی آن‌ها برای خدمت به عنوان سیستم‌های صرفه‌جویی در نیرو بوده است. در یک جنگ فرسایشی سخت، پهپادها به ارتش اوکراین اجازه داده‌اند از قدرت رزمی محدود خود محافظت کنند و نیروی رزمی بسیار بزرگ‌تری را در حوزه‌های مختلف تهدید کنند.

نیروهای پهپادی که زلنسکی اعلام کرد، به طور مؤثر به یک ارتش پهپادی تبدیل شد. سیاستگذاران آمریکا به کارایی پهپادها در درگیری توجه کرده‌اند و ممکن است یک گروهان پهپادی نیز به ارتش آمریکا بیاید. پهپادها ممکن است در تأثیرات خود انقلابی نباشند، اما آن‌ها یک توانمندساز معتبر و پایدار هستند، توانمندی که همچنان هژمونی شاخه‌های سنتی مانند توپخانه و توده‌ای از پیاده‌نظام و زره‌پوش را که زمانی غالب بودند، تهدید می‌کند. ارتش و وزارت دفاع به طور گسترده‌تری در تلاش برای نوآوری پهپادها هستند، اما استانداردهای آموزشی، آموزش و تاکتیک‌ها متفاوت است. ماموریت اصلی برنامه DoD Replicator افزایش موجودی پهپادهای موجود است، اما یک چیز مهم برای کارشناسان این است که پهپادها برای کار و به کارگیری چقدر مؤثر هستند؟ این روند تأثیر رو به رشد پهپادها احتمالاً با

جفت شدن آن‌ها با هوش مصنوعی و سایر فناوری‌ها ادامه خواهد یافت. بر کسی پوشیده نیست که ارتش آمریکا (و سایر خدمات) با چالش‌های استخدام روبرو هستند. این نیرو مطمئناً برای پر کردن و آموزش سریع صفوف خود برای بسیج توده‌ای مبارزه خواهد کرد. این مشکل با سرعت فزاینده‌ای که شخصیت جنگ در حال تغییر است تشدید می‌شود؛ این بدان معناست که ارتش در صورت درگیری در مقیاس بزرگ فقط به تعداد کافی از افراد نیاز ندارد، بلکه به افرادی نیاز دارد که دانش آن‌ها با سرعتی متناسب با تکامل میدان نبرد رشد می‌کند. یک نمونه بارز، جنگ در نمایش مکرر اقدامات متقابل اوکراین است که هر دو طرف به دنبال تضمین برتری پهپادهای خود هستند. جدیدترین نمونه، پهپادهای متصل به فیبر نوری است که تا حد زیادی در برابر اثرات جنگ الکترونیک مصون هستند. ایجاد یک گروه پهپادی گامی مهم در مدیریت حیاتی سیستم‌های جنگی است. آموزش، نگهداری و اجرا نمی‌تواند وظیفه ثانویه یک افسر هوانوردی تیپ یا یک درجه دار یا افسر فعال در یک گردان باشد. یک گروه پهپادی توسعه سیستم‌ها و متخصصان شاخه را در امتداد راه‌ها در سراسر طیف DOTMLPF (دکترین، سازمان، آموزش، مواد،

رهبری و آموزش، پرسنل و امکانات) تضمین می‌کند. گردان‌های پیاده، نگهدارنده و آتش‌نشانی همه توسط افسران حرفه‌ای و درجه‌داران آن شاخه‌ها هدایت می‌شوند. پهپادها و به کارگیری آن‌ها تا جایی تکامل یافته‌اند که سیستم‌های دامنه به همان سرپرستی نیاز دارند. ارتش نمی‌تواند از عهده اجرای جداگانه دکترین پهپادها یا تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌ها برآید. این سیستم‌ها به یک قهرمان نیاز دارند تا پیشرفت را در داخل ارتش و اصلاح الزامات صنعت ایجاد کند. بنابراین، یک گروه پهپادی حرفه‌ای چگونه خواهد بود؟ در میان نیروهای عملیات ویژه آمریکا (SOF)، حقایق SOF یک درک اساسی از هدف برای فرهنگ جامعه عملیات ویژه ارائه می‌دهد. با تکرار این مدل و ساختن خود حول مجموعه‌ای اساسی از حقایق پهپاد، به یک گروه پهپادی کمک می‌شود. جنگ با پهپاد یک قابلیت و تهدید پایدار در میدان نبرد آینده خواهد بود. پهپاد مقرون به صرفه، ساده و به سرعت به تولید انبوه می‌رسند. آن‌ها به افراد و دولت‌ها امکان رقابت با دشمنان بزرگ‌تر را می‌دهند. مردم راهی برای نگرانی داشتن پهپادها در مبارزه پیدا خواهند کرد. پهپادها جایگزین جنگنده نمی‌شوند. حتی با وجود پهپاد در میدان نبرد،

نیروهای مانور سرنشین دار همچنان برای حفظ زمین و جنگ مورد نیاز خواهند بود. انسان‌ها باید برای حداکثر کارایی همچنان در جریان باشند. هوش مصنوعی کارآمد است، اما به دلیل اینکه دقیقاً شناخت انسان‌ها را تکرار نمی‌کند، کافی نیست. پهپادها یک قابلیت قدرتمند اقتصادی نیرو و توانمندساز ثابت هستند. پهپادها نیازی به استراحت ندارند در عوض، آن‌ها به نیروهای سرنشین دار اجازه استراحت و انتقال به مبارزه بعدی را می‌دهند. یک پهپاد ارزان همیشه می‌تواند به جلو فرستاده شود و قدرت جنگی را حفظ کند و زندگی را نجات دهد. متخصصان پهپاد، افکت‌ها و هماهنگ‌سازی فوراً ایجاد نمی‌شوند، اما نیاز به آموزش، برنامه‌ریزی و زمان دارند. سیستم‌های پهپاد نسبتاً ارزان هستند و آموزش یک اپراتور زمان زیادی نمی‌برد. با این حال، رسیدن به همگام‌سازی و افکت‌ها زمان می‌برد. اپراتورهای اضافی که در گردان‌های مانور یافت می‌شوند از نظر کیفیت، زمان پرواز و توانایی متفاوت هستند. صرف نظر از مهارت اپراتورها، آن‌ها در نهایت واحد خود را ترک خواهند کرد. برای اطمینان از موقعیت مناسب پهپادها و تجزیه و تحلیل مناسب داده‌های ارائه شده توسط آن‌ها، کارشناسان موضوع و تکرار مورد نیاز هستند.

<https://B2n.ir/s47047>

گاردین / جان هنلی

لزوم مبارزه برای عضویت در ناتو



ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به دیپلمات‌های خود گفته است که این کشور باید برای متقاعد کردن متحدانش بجنگد تا به اوکراین اجازه عضویت در ناتو را بدهند، اما این هدف را «قابل دستیابی» توصیف کرد، زیرا به دنبال تضمین‌های امنیتی برای محافظت از خود در برابر روسیه است.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، پس از حمله ویرانگر پهپادها به شهر کازان در مرکز روسیه و دیدار با رابرت فیکو، نخست‌وزیر اسلواکی، در سفر نادر یکی از رهبران اتحادیه اروپا و ناتو به اوکراین قول داده است که «ویرانگری» بیشتری را به اوکراین وارد کند.

کی‌یف می‌گوید عضویت در ائتلاف نظامی فرا آتلانتیک، یا شکلی معادل از تضمین امنیتی، برای هر طرح صلحی برای اطمینان از عدم حمله مجدد روسیه ضروری است. ناتو گفته است که اوکراین روزی به آن ملحق خواهد شد، اما زمان یا دعوت‌نامه‌ای را ارائه نکرده است. زلنسکی روز یکشنبه به دیپلمات‌ها در کی‌یف گفت: «همه ما درک می‌کنیم که دعوت اوکراین به ناتو و عضویت در ائتلاف تنها می‌تواند یک تصمیم سیاسی باشد.»

رئیس‌جمهور اوکراین قبلاً پیشنهاد کرده بود که عضویت در ناتو به بخش‌های اشغال نشده اوکراین برای پایان دادن به «مرحله داغ» جنگ پیشنهاد شود و هفته گذشته پس از ۲۴ ساعت ملاقات با رهبران ناتو و اتحادیه اروپا در بروکسل گفت که تعهدات اروپا برای دفاع از اوکراین بدون دخالت آمریکا «کافی خواهد بود».

او ناتورا «ضمانت واقعی» اوکراین در برابر مسکو پس از مذاکرات بروکسل توصیف کرد. او گفت: «یک اراده سیاسی و درک این موضوع وجود داشت که پوتین خطرناک است و درک کاملی وجود داشت که او در اوکراین متوقف نخواهد شد.»

اظهارات زلنسکی به دیپلمات‌های اوکراینی درباره ناتو در حالی بیان شد که رئیس‌جمهور روسیه قول داد به حمله پهپادی آخر هفته که روز شنبه به یک بلوک آپارتمانی لوکس در کازان، در حدود یک هزار کیلومتری از مرز حمله کرد، پاسخ دهد.

هیچ تلفاتی گزارش نشده است، اما ویدئوهایی در رسانه‌های اجتماعی روسیه نشان می‌دهد که پهپادها به یک ساختمان شیشه‌ای مرتفع برخورد کرده و گلوله‌های آتشین را در جدیدترین مجموعه حملات هوایی در حال تشدید در درگیری تقریباً

سه ساله نشان می‌دهند.

پوتین تهدید کرده است که مرکز کی‌یف را با موشک بالستیک مافوق صوت در پاسخ به حملات اوکراین هدف قرار خواهد داد و مسکو حملات روسیه به تأسیسات انرژی اوکراین را که تهدید کرده است هزاران خانه را در تاریکی زمستان فرو ببرد، حملات تلافی جویانه برای کی‌یف با استفاده از موشک‌های غربی خوانده است. مقامات روسی همچنین روز یکشنبه گفتند پهپادهای اوکراینی برای دومین بار در یک هفته گذشته به یک انبار اصلی سوخت روسیه حمله کردند البته به عنوان بخشی از یک حمله «عظیم» فرامرزی به تأسیسات سوخت و انرژی که کی‌یف می‌گوید تأمین کننده ارتش مسکو است.

دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز یکشنبه گفت که فیکو در یک «بازدید کاری» برای گفت‌وگو در مورد «وضعیت بین‌المللی» و تحویل گاز طبیعی روسیه وارد این کشور شده است. اوکراین امسال اعلام کرد که قرارداد اجازه ترانزیت گاز روسیه از طریق خاک خود را پس از روز ۳۱ دسامبر تمدید نخواهد کرد که این امر نگرانی‌ها را در اسلواکی در مورد عرضه آن افزایش داده است.

بازدید رهبران اتحادیه اروپا و ناتو از مسکو از زمان آغاز تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال ۲۰۲۲ و آخرین موردی که این سفر را انجام داد، نادر بوده است.

کی‌یف مدت‌هاست که گفته بخشی از پیمان دفاعی متقابل ناتو یا تضمین‌های امنیتی مشابه، برای هر طرح صلحی برای اطمینان از عدم حمله مجدد روسیه ضروری است. زلنسکی گفت که متحدان باید بدانند که اوکراین چه چیزی می‌تواند به این اتحاد بیاورد.

مسکو مدعی پیشروی‌های تازه در میدان نبرد در منطقه شمال شرقی خارکیف شده و گفته است که دوروستا را در نزدیکی کوراخوفه، یک مرکز کلیدی که جایزه بزرگی در تلاش کرملین برای تصرف منطقه دونتسک است، «آزادسازی» کرده است. دیمیتری لوبینتس، کمیسر حقوق بشر کی‌یف، روز یکشنبه گفت: «تصاویر پهپادی نیروهای روسی را نشان می‌دهد که پنج اسیر جنگی اوکراینی را پس از تسلیم اعدام می‌کنند.» وی گفت که سربازان روس مجرم باید به دادگاه بین‌المللی معرفی شوند.

روسیه در ماه‌های اخیر پیشروی خود را در شرق اوکراین تسریع کرده است و به دنبال حفظ هر چه بیشتر قلمروی ممکن است قبل از اینکه دونالد ترامپ که وعده داده است به سرعت به درگیری پایان دهد، در ماه ژانویه به کاخ سفید بازگردد. پتری اوریو، نخست‌وزیر فنلاند، بر نیاز به افزایش هزینه‌های دفاعی و حمایت از اوکراین تأکید کرد و گفت روسیه یک «تهدید دائمی و خطرناک برای اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی» است.

اورپو پس از نشست امنیتی با کابینا کالاس، رئیس سیاست خارجی اتحادیه، اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد، جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا و کیریا کوس میتسوتاکیس، نخست‌وزیر یونان گفت که «وضعیت امنیتی تغییر کرده است».

وی افزود: دفاع اروپا باید با تمام ابزارهای ممکن تقویت شود یعنی ما باید همه گزینه‌های مالی را بررسی کنیم و متحدان غربی باید «به حمایت از اوکراین برای مدت طولانی و تا آنجا که نیاز است» ادامه دهند.

<https://tinyurl.com/2y6mqaet>

فان افروز / یان شوئوتنگ

چرا چین از ترامپ نمی‌ترسد؟



نرم کند. او هیچ علاقه‌ای به شکل دادن به نظام سیاسی چین برای انطباق با همتایان غربی خود ندارد و بنابراین بعید است که تمایلی به مداخله در امور داخلی چین داشته باشد. پکن هیچ برنامه‌ای برای گسترش ایدئولوژی خود در سطح بین‌المللی ندارد، زیرا حزب کمونیست چین بر حفظ ثبات سیاسی در داخل تمرکز دارد. درگیری‌های اقتصادی و استراتژیک ممکن است بین پکن و واشنگتن در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ افزایش یابد، اما به درگیری‌های ایدئولوژیک که دو کشور را در مسیر برخورد مستقیم قرار دهد، تبدیل نمی‌شوند. در رقابت قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی اغلب می‌تواند نقش دوم را در مقابل سیاست داخلی بازی کند. اگرچه انزوای طلبی ترامپ قطعاً فرصت‌هایی را برای پکن ایجاد می‌کند تا روابط خود با متحدان آمریکا را بهبود بخشد، اما اصلاحات در داخل واقعاً مسیر رقابت بین دو قدرت را تعیین می‌کند. در حال حاضر، هم رهبران چین و هم تیم ترامپ بیشتر به مسائل داخلی مشغول هستند تا مسائل خارجی. اگر رهبران چین در اجرای اصلاحات بهتر از ترامپ در چهار سال آینده کار کنند، چین شکاف قدرت با آمریکا را کاهش خواهد داد؛ اما اگر ترامپ در این زمینه بهتر از چین کار کند و از درگیری‌ها و مسائل خارجی آسیب‌رسان اجتناب کند، شکاف قدرت بین دو کشور بزرگ‌تر خواهد شد.

<https://tinyurl.com/2byekhve>

آمریکا می‌داند و به تلاش برای مهار چین ادامه می‌دهد. البته همه چیز از یک مدیر به مدیری دیگر ثابت نخواهد ماند. در دوره دوم ریاست جمهوری خود، سیاست ترامپ در برابر چین نه تنها با سیاست جو بایدن، بلکه با دوره اول ریاست جمهوری خود نیز متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال، ترامپ مناصب مهم سیاست خارجی و امنیت ملی را با افراط‌گرایان راست‌گرا پر کرده است که برخی از آن‌ها کمتر از ۵۰ سال سن دارند که نشان‌دهنده انحراف از انواع مقامات ارشدی است که پس از انتخابات ۲۰۱۶ انتخاب کرد. برخلاف آن چهره‌ها که بسیاری از آن‌ها مقامات نظامی با تجربه اواخر دوران جنگ سرد بودند، زمانی که چین و آمریکا شرکای استراتژیک بودند، بسیاری از انتخاب‌های جدید او در طول ظهور چین به‌عنوان قدرت جهانی روی کار آمدند. آن‌ها چین را تهدید اصلی برای آمریکا می‌دانند و از سیاست‌های افراطی‌تر و سرکوب‌گرانه‌تر برای محدود کردن پیشرفت‌های چین حمایت می‌کنند. دور دوم ریاست جمهوری ترامپ ممکن است تنش‌های فزاینده‌ای بین چین و آمریکا ایجاد کند زیرا او تلاش می‌کند از فشار اقتصادی و نظامی برای محدود کردن پکن استفاده کند؛ اما در عمل، ریاست جمهوری ترامپ ممکن است از چند جهت به نفع چین باشد. به‌عنوان مثال، بی‌علاقگی نسبی ترامپ به مسائل ایدئولوژیک ممکن است برخی از لبه‌های رقابت با پکن را

سال‌هاست که دونالد ترامپ علیه چین موضع تندی دارد و آن را عامل اصلی همه مشکلات در آمریکا توصیف کرده است. او از کسری تجاری بزرگ واشنگتن با پکن ابراز تأسف کرده و چین را به دلیل خالی کردن قلب سرزمین صنعتی آمریکا سرزنش می‌کند. او اصرار دارد که همه‌گیری کرونا تقصیر چین بوده است. اخیراً، او بحران مواد افیونی آمریکا را به پکن گره زده و چین را به «حمله» به آمریکا با فتنانیل متهم کرده است. چین در گردهمایی‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی ترامپ به‌عنوان یک دشمن مهیب ظاهر شده است، دشمنی که تنها ترامپ می‌تواند او را تحت سلطه خود درآورد. در اولین دوره ریاست جمهوری خود، او دهه‌ها سیاست آمریکا را با آغاز یک جنگ تجاری با چین تغییر داد. در حالی که او برای شروع دوره دوم ریاست جمهوری خود آماده می‌شود، لفاظی‌های او و انتصاب‌هایش در کابینه نشان می‌دهد که او رویکرد تندرو خود را دوچندان خواهد کرد.

رهبران چین اما با ترس به ترامپ نگاه نمی‌کنند. آن‌ها از اولین دوره او چیزهای زیادی یاد گرفتند. تمایل او به حمایت‌گرایی اقتصادی منجر به اختلافات بیشتر و افزایش تنش‌ها می‌شود، اما پکن معتقد است که می‌تواند چنین رویارویی‌ها را مدیریت کند. علاوه بر این، تهدید مشکوک ترامپ به متحدان آمریکا، سایر کشورها را تشویق می‌کند تا از شرط‌بندی‌های خود جلوگیری کنند و روابط خود را با پکن برای جبران غیرقابل پیش‌بینی بودن واشنگتن ایجاد کنند. احتمال درگیری نظامی با آمریکا نیز کم است. از آنجایی که سیاست خارجی ترامپ هرگز تعهدات عمیق ایدئولوژیک را نشان نداده است، بعید به نظر می‌رسد که رقابت بین دو کشور ابعاد مخرب‌تری از جنگ سرد به خود بگیرد. ترامپ نمی‌خواهد درگیر جنگ شود و ترجیح می‌دهد بر اصلاحات داخلی تمرکز کند. او به‌زودی با قصد مهار چین وارد کاخ سفید خواهد شد، اما رهبران چین از بازگشت او هراسی ندارند.

پکن معتقد نیست که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ در آمریکا تأثیر زیادی بر مسیر کلی سیاست آمریکا در قبال چین داشته باشد. مهم نیست که چه کسی وارد کاخ سفید می‌شود، رئیس‌جمهور بعدی آمریکا توسط یک اجماع دو حزبی حمایت می‌شود که چین را تهدیدی برای سلطه جهانی

ایندپندنت / محمد خیر ندمان

مسیر دشوار سوریه برای خروج از بحران



در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۲۴، ائتلاف متشکل از نیروهای مخالف نظام بشار اسد کنترل دمشق، پایتخت سوریه، را به دست گرفت و به بیش از ۶۱ سال حکومت حزب بعث در این کشور پایان داد. ۱۳ سال پس از وقوع انقلاب سوریه، نظام بشار اسد که در سال ۲۰۰۰ ریاست جمهوری را از پدرش حافظ اسد به ارث برده بود، پایان یافت. با این حال، هنوز پرسش‌ها و چالش‌های بسیاری پیش روی سوریه و منطقه باقی مانده است که نیاز به پاسخ و اقدام دارد. چگونه نیروهای مخالف توانستند قدرت را به این سرعت به دست گیرند؟ مداخلات خارجی چه نقشی در فاجعه عظیم سوریه و موفقیت مخالفان داشت؟ آیا انتقال قدرت مسالمت‌آمیز و با رعایت ارزش‌های دموکراتیک انجام خواهد شد و سوریه برگزاری انتخابات آزاد و شفاف را شاهد خواهد بود؟ در طول چند دهه گذشته، نظام دمشق بر یکی از مخوف‌ترین سیستم‌های زندان در جهان نظارت داشت. حکومت اسد حدود ۱۵۸ هزار نفر، از جمله بیش از ۱۰ هزار زن و ۵ هزار کودک را خودسرانه بازداشت کرده بود. آزادی چندین هزار زندانی پس از سقوط اسد، شادی و خوشحالی زیادی برای مردم سوریه به ارمغان آورد، به ویژه اینکه بسیاری از آنان امیدی به دیدار عزیزانشان نداشتند. پیروزی انقلاب سوریه به بیش از ۶ میلیون آواره سوری، که در سراسر جهان پراکنده‌اند، نوید بازگشت داد. همچنین شهروندان سوری که در داخل کشور آواره شده بودند، اکنون می‌توانند بدون نگرانی از خشونت و آزار به خانه‌هایشان بازگردند و فصل جدیدی را در زندگی‌شان آغاز کنند.

با این حال، تحول شتابان سوریه هنوز باشک و نگرانی همراه است. انتقال سریع قدرت به شورشیان هیئت تحریر الشام و رهبر آن احمد الشرع، که به «ابومحمد الجولانی» نیز مشهور است، پرسش‌های بسیاری را درباره آینده سوریه مطرح می‌کند. به‌رغم وابستگی پیشین گروه هیئت تحریر الشام به سازمان القاعده، الجولانی مدعی است که هویت گروه خود را از جهادی سلفی به یک نیروی تکنوکرات بزرگ تغییر داده، نیرویی که از سال ۲۰۱۷ قدرت را در شمال غربی سوریه با موفقیت حفظ کرده است.

تسلط تقریباً بدون خونریزی هیئت تحریر الشام در ۸ دسامبر، عفو سربازان ارتش سوریه و برقراری ارتباط با علوی‌ها، مسیحیان و سایر جوامع مذهبی و قومی، اقدام‌هایی امیدوارکننده‌اند که احمد الشرع را دولت‌مردی معرفی می‌کند که به دنبال حفظ وحدت ملی در جامعه سوریه است. با این حال، درباره توانایی هیئت تحریر الشام در انتقال مسالمت‌آمیز و فراگیر

قدرت، هنوز شک و تردیدهای بسیار وجود دارد. آیا الجولانی در تأمین ثبات و امنیت سوریه موفق خواهد بود؟ یا اینکه در گذر زمان به هر دلیلی گفتمان دینی به دیکتاتوری تبدیل خواهد شد؟

نقش ارتش سوریه در دوره انتقالی اهمیت بسیار دارد، زیرا نهاد نظامی می‌تواند در حفظ و بقای دولت نقش اساسی ایفا کند. در گذشته، ناپسامانی‌های دولت بشار اسد به تضعیف روحیه ارتش منجر شده بود، زیرا سربازان حقوق ناچیزی بین ۱۵ تا ۱۷ دلار در ماه دریافت می‌کردند. همین امر باعث شد به‌رغم تصمیمی که اسد در آخرین لحظه برای افزایش حقوق سربازان گرفت تا آن‌ها را به مقابله با مخالفان تشویق کند، مقاومت دست بردارند و مسیر فروپاشی نظام و پیروزی مخالفان را هموار کنند.

دولت انتقالی سوریه یک مدل اولیه برای ساختار حکومت‌داری متوازن ارائه کرده است. علاوه بر آن، همکاری چهره‌های تأثیرگذار مانند محمد البشیر، رئیس دولت نجات سوریه و محمد جلالی، نخست‌وزیر سابق، نشان می‌دهد که تلاش‌های جدی برای پر کردن شکاف بین گروه‌های مختلف سوری در حال انجام است. به نظر می‌رسد روند انتقال قدرت را رهبران سوری انجام داده‌اند، اما شبح مداخله خارجی همچنان در افق خودنمایی می‌کند. سوریه مدت‌هاست که میدان نبرد قدرت‌های رقیب، از جمله آمریکا، روسیه، جمهوری اسلامی، ترکیه و اسرائیل بوده است. شکی نیست که این نیروها در راستای منافعشان در پی تأثیرگذاری بر ساختار سوریه جدید خواهند بود. نگرانی ترکیه از جدایی طلبی کردها به رهبری یگان‌های مدافع خلق در شمال شرقی سوریه، حملات اخیر آمریکا به سوریه علیه داعش و علاقه روسیه به حفظ پایگاه‌های نظامی در آن، نشان می‌دهد که مسیر پیش روی این

کشور با تهدید روبرو است. علاوه بر این، حملات هوایی گسترده اسرائیل به قلمرو سوریه، انهدام کامل ارتش و توانایی‌های نظامی این کشور و پیشروی رژیم صهیونیستی به بلندی‌های جولان که نقض توافقنامه تعیین مرزهای دو طرف با میانجی‌گری آمریکا در سال ۱۹۷۴ محسوب می‌شود، از وجود یک طرح خطرناک استعماری برای تضعیف و تجزیه سوریه پرده برمی‌دارد.

با توجه به چالش‌های یادشده، باید برای آینده سوریه چشم‌اندازی روشن و شفاف ترسیم شود که شامل موضوعات کلیدی مانند آشتی ملی، تشکیل حکومت فراگیر، تضمین حقوق شهروندی و تلاش برای اجتناب از درگیری‌های فرقه‌ای باشد. افزون بر این، جامعه جهانی باید دولت جدید دمشق را در راستای اعمال حاکمیت و بازپس‌گیری اراضی سوریه که برخی از کشورهای اشغال کرده‌اند، یاری کند و در عین حال، به آرمان‌ها و ارزش‌های مردم این کشور احترام بگذارد.

سقوط اسد به معنای پایان درگیری‌ها نیست، بلکه آغاز سفری پیچیده به سوی آشتی، بهبودی و بازسازی کشور است. توانایی الجولانی برای تحکیم ثبات داخلی، تقویت اعتماد میان گروه‌های مختلف سوریه و مقاومت در برابر هرگونه مداخله خارجی، می‌تواند موفقیت روند کنونی را تعیین کند. به‌رغم چالش‌ها و تهدیدهای پیش رو، سوریه در مرحله جدید و نویدبخشی قرار دارد که اگر درست مدیریت شود، راه را برای برون‌رفت از بحران هموار خواهد کرد. البته سوریه زمانی می‌تواند پیروزی کنونی را به صلح و عدالت پایدار تبدیل کند که سرنوشت آن را مردم این کشور به دور از مداخلات خارجی تعیین کنند.

<https://B2n.ir/e94615>



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Souriancss.com